



از روایت خون تا روایت خوب

نقد و بررسی روایت‌گری در یادمان شهدای هویزه

تهیه و تنظیم: گروهی از کارشناسان
مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

مقدمه

روایت‌ها نیز متفاوتند. به‌منظور اجتناب از تفاوت و گاه تناقض در روایت‌ها که با هدف اصلی راهیان نور در تعارض است، نهادهای تخصصی و پژوهش‌محور باید با نگاهی آسیب‌شناسانه به این عرصه ورود کنند. یکی از مراکز پژوهشی که آثار ارزشمند و باکیفیتی را به‌واسطه میزان و نوع حضورش در جبهه‌های نبرد عرضه می‌کند، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس است. راویان این مرکز در اکثر عملیات‌ها دوشادوش فرماندهان به ثبت و ضبط صحنه نبرد پرداخته‌اند.

دفاع مقدس عرصه بسیار وسیعی است که هرکدام از رزمندگان، فرماندهان رده‌های مختلف از نیروهای نظامی و انتظامی و... به‌واسطه مدت حضور در مناطق مختلف و مسئولیت در جبهه‌های نبرد، از بخش‌هایی از آن خبر دارند. شاید کسی نباشد که بر همه اتفاقات ریز و درشت آن تسلط کامل داشته باشد. راویان کاروان‌های راهیان نور اغلب جنگ را براساس داشته‌های خود روایت می‌کنند و به همین دلیل

موضوع دارند. البته هریک از این رویکردها در جای خود مفید است و در صورت توجه به آنها به پویایی و پایداری جامعه کمک می‌کند. ملت‌ها با شناخت و آگاهی از سرگذشت مشترکشان هویتشان را منسجم‌تر و با دریافت الگوهای تاریخی آن را غنی‌تر و پایدارتر می‌کنند؛ حتی اسطوره‌های خود را می‌سازند و بر دل‌اورمردی نیاکانشان افتخار می‌کنند. این گذشته تلخ و شیرین، با همه پیروزی‌ها و حتی شکست‌ها تجربه‌ای برای پیروزی در آینده است. با وجود اینکه آینده تکرار گذشته نیست، اما برمبنای آن استوار است و هیچ ملتی نمی‌تواند بدون شناخت گذشته، آینده درخشانی پیش‌روی داشته باشد. چراغی فراراه آینده نظام است که اکنون با تهدیدهای متعددی روبه‌رو است و در این راستا، برای مقابله با تحمیل جنگی دیگر و در صورت وقوع جنگ، برای کاهش تأثیرات منفی و پیروزی در آن، هیچ تجربه‌ای از درس‌های جنگ هشت‌ساله مفیدتر و مؤثرتر نیست. جنگ را باید با هدف آینده‌نگرانه، بدون تعصب و با ابزارهای دقیق علمی بررسی کرد و شناخت. در استفاده از تجربه‌های جنگ و به‌کارگیری مؤثر آن در آینده باید به چند نکته اساسی زیر توجه کرد:

۱. روایت جنگ آن‌گونه که بود: جنگ ایران و عراق همانند دیگر پدیده‌های بشری و سیاسی - نظامی پیچیدگی ویژه‌ای دارد و پر از تجربه‌های تلخ و شیرین، شکست و پیروزی، ضعف و قوت، احساس و عقل، و تصمیم‌گیری‌های درست و نادرست است. تصمیم‌ها و اقدامات جنگ در هر دو سوی آن، براساس میزان شناخت و تجربه‌های بشری و ویژگی‌های مختلف انسانی، اتخاذ شده و انجام گرفته

حاصل این حضور و فعالیت علاوه بر باقیماندن آرشیو غنی از اسناد و مکتوبات، خلق آثار ارزشمند، مستند و مستدلی است که وثاقت آنها بر اهل فن پوشیده نیست. در اسفندماه ۱۳۹۳ کارشناسان این مرکز به‌منظور ثبت و ضبط روایت راویان در یادمان‌های استان خوزستان عازم آنجا شدند. حاصل این حضور، ضبط حدود ۲۰۰ روایت در یادمان‌های مختلف بود که تعدادی از آنها پیاده‌سازی و ارزیابی شد و در فصلنامه تخصصی نگین / ایران (شماره ۵۳) به چاپ رسید. اسفندماه ۱۳۹۴ نیز این مأموریت تقریباً به همان شکل تداوم یافت.

رویکرد مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به این حرکت عظیم فرهنگی، تلاش برای استخراج نقاط قوت و ضعف‌های روایت‌ها، شناسایی راویان و روایت‌های باکیفیت، سازماندهی، آموزش، تولید محتوا با هدف غنی‌سازی پروژه بزرگ راهیان نور و انتقال صحیح تاریخ دفاع مقدس به نسل‌های بعد است. در همین راستا، روایت‌هایی که نگارنده در یادمان هویزه (در مقاطع زمانی اسفندماه سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴) ضبط و پیاده‌سازی کرده، در یک نگاه کلی مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است.

ضرورت شناخت دفاع مقدس

جنگ ایران و عراق را می‌توان با استفاده از شیوه‌های مختلف تشریح کرد؛ برخی از راویان، رویکردی تاریخی دارند و به توصیف وقایع می‌پردازند، رویکرد برخی دیگر آینده‌نگرانه است و به تجربه‌های آن برای بهره‌برداری در موارد احتمالی توجه می‌کنند و بالاخره عده دیگری رویکرد معرفت‌شناسانه‌ای به



روایت راویان برای کاروان‌های راهیان نور، یادمان شهدای هویزه، اسفند ۱۳۹۴.

آگاهی از این تجربه‌ها و درس‌ها و بهره‌گیری از آنها می‌تواند به کاهش تصمیم‌های نامناسب و عمل به اقدامی با دستاوردهای بیشتر بینجامد.

محورهای اصلی روایت یادمان شهدای هویزه

حمله عراق به شهرهای خوزستان و سقوط تعدادی از آنها از جمله بستان، سوسنگرد در سال ۱۳۵۹ و همچنین جنایات ارتش متجاوز صدام موجب مقاومت و ایستادگی مردم و به‌ویژه رزمندگان بومی این مناطق شد. از این رو، هم‌زمان با ورود قوای مهاجم به خاک خوزستان، تعدادی از نیروهای مردمی و به‌ویژه دانشجویان پیرو خط امام به فرماندهی سیدحسین علم‌الهدی، راهی هویزه شدند. این شهر از جمله شهرهای دشت آزادگان است که در ابتدای جنگ چند بار محاصره شد تا اینکه بعد از عملیات نصر ارتش (۱۳۵۹/۱۰/۱۵) و شهادت شهید علم‌الهدی و یارانش، در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۷ به اشغال

است. البته به میزانی که حسابگری و عقلانیت مطرح بوده، اقدامات احساسی و شهامت نیز حضور داشته است؛ بنابراین در شناخت جنگ و درک تجربه‌ها و گرفتن درس لازم است همه جوانب و ویژگی‌های جنگ مطالعه و جنگ به‌عنوان یک پدیده انسانی ارزیابی شود.

۲. تجربه‌اندوزی و درس‌آموزی: اکنون حدود ۳۰ سال از پایان جنگ می‌گذرد و مشکلات دوران جنگ درخصوص بیان وقایع پایان یافته است. باتوجه‌به اینکه نسلی که مسئولیت سنگین جنگ را در حوزه‌های گوناگون سیاسی، نظامی و... بر دوش داشت، در سنین بالا قرار دارد و نسل جدید نیز به‌طور عینی جنگ را ندیده است، روایت درست از جنگ می‌تواند در انتقال تجربه‌ها و درس‌های جنگ بسیار مفید باشد. از این منظر نیز، ثبت و انتقال تجربه‌های جنگ ضرورت دارد و برای نسل بعدی

الف) محورهای عملیاتی یادمان شهدای هویزه

۱. موقعیت جغرافیایی منطقه عملیاتی

در روایت هویزه، شایسته است که راوی در حوزه جغرافیایی منطقه عملیاتی، حتی‌الامکان زمین منطقه عملیات نصر و منطقه دشت آزادگان را به‌طور اعم (محورهای سوسنگرد، طلائی، جفیر و...، جاده‌ها، موانع، عوارض طبیعی و مصنوعی منطقه) و شهر هویزه و روستاها و مناطق آن را به‌طور اخص برای مخاطب تشریح کند.

۲. زمینه‌ها و شرایط سیاسی - نظامی ایران

راوی علاوه‌بر وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منطقه، باید به سیر اجمالی وقایع پس از پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در کشور و استان خوزستان اشاره کند. تلاش ابرقدرت‌ها برای شکست و سرنگونی انقلاب، دوران ریاست‌جمهوری بنی‌صدر و تقابل دیدگاه‌های وی با نیروهای انقلابی و به‌ویژه سپاه پاسداران، تهاجمات مرزی عراق، فعالیت گروه‌های ضدانقلاب در خوزستان و... از جمله مواردی است که می‌تواند در راستای ارائه یک روایت جامع مورد اشاره راوی قرار گیرد. در این بخش، پرداختن به تجاوز عراق به ایران در محور دشت آزادگان، هویزه و حمیدیه اهمیت دارد.

۳. طرح و شرح عملیات نصر و نتایج آن

عملیات‌های ارتش در سال ۱۳۵۹، به‌ویژه عملیات نصر، از محورهای اصلی روایت هویزه است که باید به تفصیل پردازش شوند. درخصوص مباحث این عملیات باید به بحث آماده‌سازی، سازمان رزم،

کامل نیروهای عراق در آمد و ارتش بعث پس از جنایات زیادی که در این منطقه مرتکب شد، شهر را با خاک یکسان کرد. هویزه در مرحله دوم عملیات بیت‌المقدس در ۱۳۶۱/۲/۱۸ آزاد شد. نکته دیگر درخصوص یادمان هویزه وجود تعدادی از قبور شهدا شامل مردم یکی از روستاهای منطقه به نام احمدآباد سیار است که عراقی‌ها آنان را به‌خاطر همکاری با نیروهای سپاه و پناه‌دادن به یک خلبان ایرانی تیرباران و درحالی‌که برخی از آنها

هنوز زنده بودند، در یک گور دسته‌جمعی دفن کردند؛ این افراد به شهدای کرخه نور معروف‌اند.

درخصوص بایدها و نبایدهای روایت در این یادمان راوی باید با جغرافیا، پیشینه و سابقه عملیاتی، وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منطقه مقارن پیروزی انقلاب اسلامی، و شروع جنگ تحمیلی،

عملیات‌های شاخص و شخصیت‌های فعال در این مناطق آشنایی کامل داشته باشد. شخصیت، عقاید و اندیشه‌های راوی هم در نوع روایت و بیان مطالب دخالت دارد. ضمن اینکه راوی باید باتوجه‌به اندوخته‌های خود و وضعیت منطقه، ترکیبی مناسب بین اطلاعات سیاسی و عملیاتی جنگ و مباحث معرفتی ایجاد و با بیان روایتی درست، مخاطب را متأثر کند.

محورهای مهم روایت خوب و متناسب با یادمان و منطقه عملیاتی هویزه عبارت‌اند از:

راوی باید باتوجه به اندوخته‌های خود و وضعیت منطقه، ترکیبی مناسب بین اطلاعات سیاسی و عملیاتی جنگ و مباحث معرفتی ایجاد و با بیان روایتی درست، مخاطب را متأثر کند.

روزهای نبرد، انهدامها و اسراء، میزان پیشروی و دلایل نرسیدن به اهداف در عملیات، وضعیت تلفات یگان‌های شرکت‌کننده در عملیات مانند سپاه، نیروهای مردمی و دانشجویان پیرو خط امام و... پرداخته شود.

عملیات نصر موسوم به عملیات هویزه، در چارچوب یک راهبرد نظامی به فرماندهی بنی‌صدر و با طراحی قرارگاه تاکتیکی نیروی زمینی در ۱۵ دی‌ماه ۱۳۵۹ در جنوب‌غربی اهواز و سوسنگرد اجرا شد.

سازمان رزم عملیات به این ترتیب بود: برای این عملیات، ۲ تیپ از لشکر ۱۶ زرهی قزوین و یک تیپ از لشکر ۹۲ زرهی اهواز در نظر گرفته شده بود که ۲ گردان از نیروهای سپاه و عده‌ای از نیروهای ستاد جنگ‌های نامنظم (شهید چمران) نیز نیروهای زرهی و مکانیزه ارتش را یاری می‌دادند. براساس طرح مانور، در مراحل مختلف قرار بود به ترتیب: ابتدا شمال و جنوب کرخه کور پاک‌سازی و پادگان حمید و منطقه جفیر آزاد شود؛ سپس طلائی و کوشک در جنوب منطقه عملیاتی و بعد از آن خرمشهر آزاد شود و نیروها پس از آزادسازی کل منطقه خوزستان، بنا به دستور، دشمن را در حدفاصل کوشک شلمچه، در خاک عراق، تا شط‌العرب تعقیب کرده، با پاک‌سازی منطقه عمومی شرق بصره، در کنار این رود استقرار یابند.

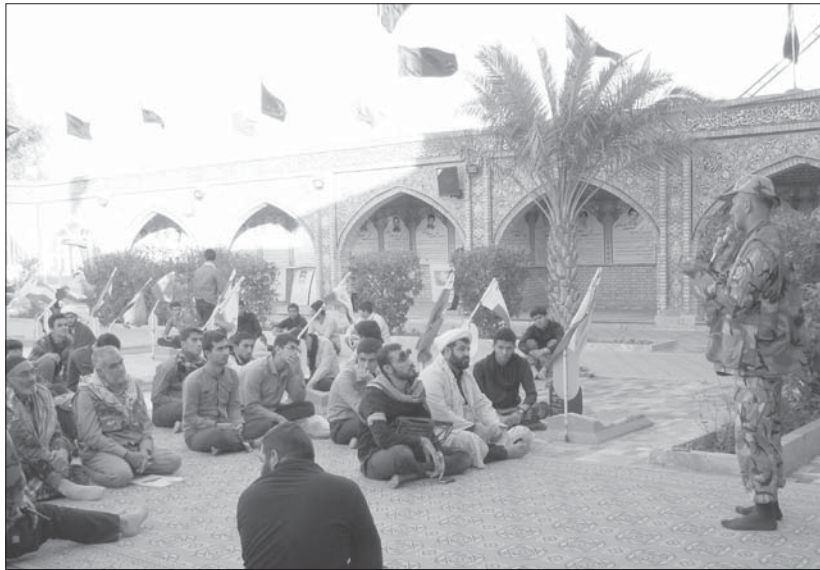
عملیات بعد از ۱۵ دقیقه آتش تهیه، در ساعت ۱۰ آغاز شد. ابتدا تیپ ۳ همدان حرکت سریعی را (از محور ابوحمیظه سوسنگرد) آغاز کرد؛ به طوری که نیروهای پیاده عراق که در اثر آتش توپخانه به

کم و آمار اسرای عراقی به دلیل غافلگیر شدن زیاد و در حدود ۸۰۰ نفر بود و غنیمت بسیاری نیز از آنها به دست آمد.

قرار بود ساعت ۱۰ صبح، عملیات از محور فارسیات هم‌زمان آغاز شود که با ۲۰ دقیقه تأخیر یعنی ۱۰:۲۰ دقیقه آغاز شد که این تأخیر زبان‌آور بود. واحدهایی که قرار بود ساعت ۱۰:۲۰ عبور کنند، با ۳ ساعت تأخیر در حدود ۱ بعد از ظهر عبور کردند و باینکه اطلاعات سپاه، منطقه مین‌گذاری شده توسط دشمن را چندین روز قبل به اطلاع لشکر ۹۲ و فرمانده لشکر رسانده بود، چون اقدامی برای ایجاد راه نفوذ یا جمع‌آوری آن نشده بود، ۳ تانک روی مین رفتند و حرکت ستون در جناح راست فارسیات متوقف می‌شود. جناح چپ هم با مختصر پیشروی، حداکثر تا ۳۰۰ متری غرب رودخانه جلو رفتند و متوقف شدند. در مجموع، عراقی‌ها در این روز، نیرویی حدود یک

یکی از روایان رزمنده درباره نقش شهید علم‌الهدی پس از پیروزی انقلاب و در تدوین قانون اساسی با اغراق می‌گوید: «... می‌گویند چرا اصل ولایت فقیه در قانون اساسی نیست، و این اصل را یادگار ایشان می‌دانند.»

سال چهاردهم □ شماره پنجاه و ششم □ بهار ۱۳۹۵



روایت راویان برای کاروان‌های راهیان نور، یادمان شهدای هویزه، اسفند ۱۳۹۴.

اقامت در این شهر، از فضای معنوی آن بهره‌ وافر برد و در مباحث اسلامی و مذهبی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و شهید هاشمی‌نژاد شرکت کرد. متعاقب اوج‌گیری مبارزات مردم در سال ۵۷ و اخراج حضرت امام خمینی از عراق توسط رژیم این کشور، نامبرده به‌همراه برادران دیگری از گروه موحدین، ساختمان کنسولگری عراق در خرمشهر را به آتش کشیدند. حسین سپس به انتقام جسارت رژیم شاه به مسجد کرمان در مهرماه ۱۳۵۷، بمبی در شهربانی کرمان کار گذاشت که انفجار آن بازتاب وسیعی یافت. پس از این اقدام، وی به‌همراه یکی از دوستان خود بمب‌گذاری منزل فرمانده نظامی اهواز را طرح‌ریزی کرد که حین اجرای طرح دستگیر شد. پس از دستگیری باوجود شکنجه‌های فراوان، از افشای هرگونه اطلاعات و معرفی هم‌رزم خویش امتناع کرد و در پی آن به‌جرم اقدام مسلحانه، در دادگاه نظامی

مصری را که در اهواز برنامه اجرا می‌کرد، بمب‌گذاری و تخریب کرد. چندی بعد با سازمان‌دادن یک گروه ۲۰۰ نفری، در روز عاشورا به راه‌پیمایی و عزاداری پرداختند که با در خیابان‌های اهواز با شعار «آن الحیاه عقیده و جهاد» و دخالت مأموران شهربانی این مراسم به زدوخورد کشیده شد. وی در این جریان دستگیر شد و ۴ ماه با تحمل شکنجه‌های مختلف، در زندان به سر برد. پس از آزادی از زندان، باوجود سن کم، همچنان به فعالیت‌ها و مبارزات خود ادامه داد و در سال ۱۳۵۵ درحالی‌که فقط ۱۸ سال داشت، با عده‌ای از جوانان مؤمن، گروه «موحدین» را بنیان‌گذاری کردند. گروه‌های هفتگانه موحدین، توحیدی صف، منصورون و... پس از پیروزی انقلاب سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی را تشکیل دادند.

شهید علم‌الهدی در سال ۵۶ در رشته تاریخ دانشگاه مشهد قبول شد و در مدت حدود یک‌ساله

روزهای آغازین جنگ اتفاق افتاد، مسئولیت وی به شهید علم‌الهدی واگذار شد. وی در عملیات نصر فرمانده گردان نیروهای مردمی متشکل از ۵۰ نفر نیروهای بومی سپاه و دانشجویان پیرو خط امام بود و در جنوب‌غربی هویزه عمل می‌کرد.^{**} وی در روز ۱۶ دیماه ۱۳۵۹ که دومین روز عملیات نصر بود، به همراه تعدادی از نیروهایش به واسطه شدت گرفتن آتش دشمن و عقب‌نشینی تانک‌های ارتش و هم‌زمان قطع ارتباط بی‌سیم نیروها، در محاصره تانک‌های ارتش عراق قرار گرفت و مظلومانه به شهادت رسید.

۵. عملیات شهید غیور اصلی

در تاریخ ۹ مهر ۱۳۵۹ در شمال‌غربی اهواز، در محور حمیدیه - سوسنگرد، نیروهای خودی به دشمن هجوم بردند و تلفاتی را به آنها وارد نموده و مجبور به عقب‌نشینی کردند. بر اثر حمله نیروهای عملیات متشکل از ۳۰ الی ۵۰ نفر پاسدار با غافلگیر کردن دشمن، ۸ تانک آنها منهدم شد و دشمن سریعاً عقب‌نشینی کرد. حمله ساعت ۷ صبح پایان یافته بود، ولی درگیری و جنگ‌وگریز تا ۱۰ صبح ادامه داشت و تعدادی از نیروهای عراقی کشته یا اسیر شدند. نیروهای دشمن که به طرف سوسنگرد عقب‌نشینی کرده بودند، شب‌هنگام، حدود ۱۲ کیلومتری حمیدیه، ۴ کیلومتر بعد از قریه کوت دیده شدند که ارتباطشان با پشت جبهه‌شان قطع شده، قصد پیوستن به نیروهای خود در دبحردان را داشتند. علی شمخانی فرمانده وقت سپاه خوزستان،

^{**} . سند ۰۰۸۳۰۹۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، محمدرضا باستی، شرح عملیات هویزه، ۱۳۵۹/۱۰/۱۶.

به اعدام محکوم شد، ولی باتوجه به اوج‌گیری انقلاب و متزلزل شدن پایه‌های رژیم پهلوی، بعد از مدتی آزاد شد.

شهید علم‌الهدی در آستانه پیروزی انقلاب نیز در دو اقدام اساسی مشارکت کرد؛ یکی ترور و به‌هلاکت‌رساندن پل گریم مستشار امریکایی شرکت نفت که با سازماندهی عناصر شاه‌دوست درصدد تضعیف و شکستن اعتصاب کارکنان صنعت نفت بود، و دیگر ترور دانش نماینده مجلس شورای ملی رژیم سابق، که به جراحی وی انجامید.

در جریان بازگشت امام به ایران، سیدحسین علم‌الهدی از معدود افرادی بود که در کمیته استقبال، حفاظت مسلحانه از امام را بر عهده داشتند. از جمله اقدامات او پس از پیروزی انقلاب، افشای تیمسار

مدنی و علنی کردن رابطه او با سفارت امریکا با همکاری دانشجویان پیرو خط امام بود. وی با شروع جنگ تحمیلی، در تجهیز و سازماندهی نیروها در اهواز، برای مقابله با دشمن، نقش فعالی داشت و هم‌زمان به اجرای برنامه «جنگ‌های پیامبر» در رادیو اهواز پرداخت.^{*} پس از شهادت اصغر گندمکار فرمانده سپاه هویزه، که در دفاع از سوسنگرد در

^{*} . علیرضا لطف‌الله‌زادگان، پیشین، صص ۵۹۴-۵۹۷.

یکی از روایان بسیجی
در خصوص نحوه شهادت
علم‌الهدی و یارانش: «یکی از
بازماندگان شهدا می‌گوید من
صدای خُردشدن استخوان‌های
بچه‌ها را می‌شنیدم.»

و طول آن به حدود ۱۴۰۰ متر می‌رسید. در ابتدای خط یک بی‌سیم و در انتهای آن بی‌سیم دیگری بود. به بچه‌ها گفته شد تا قبل از دستور، هیچ‌گونه عکس‌العملی نشان ندهند. ساعت ۴ بامداد از ابتدا و انتهای خط اجرای آتش به‌سوی دشمن شروع شد و در پی آن تمام بچه‌ها شلیک به‌سوی تانک‌های عراقی را آغاز کردند. طولی نکشید که نیروهای عراقی شروع به فرار کردند. آنها حتی تعدادی از تانک‌های سالم خود

را رها کرده و به عقب‌نشینی پرداختند و بچه‌ها تعقیب دشمن را ادامه دادند. بخشی از تیپ ۳ لشکر ۹۲ ارتش که در پادگان حمیدیه مستقر بود نیز به تعقیب نیروهای فراری ادامه داده و وارد سوسنگرد شدند. در سوسنگرد افراد گروهک خلق عرب دستگیر شده و بخشدار و فرمانداری که توسط عراقی‌ها منصوب شده بود، دستگیر و به اعدام

محکوم شدند. رزمندگان در ادامه تعقیب دشمن وارد بستان شده و این شهر نیز آزاد شد و در مجموع نیروهای عراقی در این محور حدود ۹۰ کیلومتر عقب‌نشینی کردند. طی شبیخون ابتدای این عملیات و حمله نخستنی که ضربه اصلی را به دشمن وارد کرد، هیچ‌یک از رزمندگان آسیبی ندیدند، ولی در ادامه عملیات ۴ نفر به شهادت رسیدند. فرمانده عملیات، برادر غیور اصلی، نیز هنگام بازگشت به‌سوی اهواز به شهادت رسید. شهید غیور اصلی مسئولیت آموزش سپاه اهواز را به

چگونگی شکل‌گیری و اجرای این عملیات را چنین تشریح میکند: «هم‌زمان با هجوم عراق به سمت اهواز و نزدیکی قوای دشمن به اهواز از محور سوسنگرد حمیدیه، انبار مهمات لشکر ۹۲ به‌طرز مرموزی منفجر شد. صدای انفجار و به‌دنبال آن پرتاب گلوله‌های توپ، موشک‌های کاتیوشا و... به داخل شهر، این شایعه را ایجاد کرد که نیروهای عراقی وارد اهواز شده‌اند و شهر در آستانه سقوط است. خلاصه، اوضاع به‌قدری نگران‌کننده بود که از امام کسب تکلیف شد. ایشان در جواب فرموده بودند: «مگر جوانان اهواز مرده‌اند؟!» سخن تکان‌دهنده امام به گوش مسئولین سپاه خوزستان رسید و به‌دنبال آن رزمندگانی که حضور داشتند و یا امکان دسترسی به آنها بود، در محل سپاه اهواز (نزدیک فلکه چهارشیر) گرد آمدند. تعدادشان از ۲۳ نفر تجاوز نمی‌کرد؛ در دو ستون به خط شده و فرمانده سپاه خوزستان (برادر شمخانی) برای آنها صحبت کرد. با فرارسیدن شب و اضافه‌شدن چند نفر دیگر، در مجموع ۲۸ نفر به فرماندهی برادر غیور اصلی به سمت دشمن حرکت کردند. بچه‌ها تا س‌راه حمیدیه را با ماشین رفتند و با پیاده‌شدن در کنار نخلستان، مسیر را طی کردند و با رسیدن به نزدیک دشمن، بچه‌ها دو نفر و با فاصله ۱۰۰ متر از یکدیگر، در غرب جاده سوسنگرد اهواز مستقر شدند؛ درحالی‌که یک تیپ از لشکر ۹ زرهی در شرق جاده مستقر بود. زمین شرق جاده مزرعه و غرب آن باغستان بود. بچه‌ها در غرب جاده مسلح به آرپی‌جی ۷ در کمین نشستند؛ درحالی‌که هیچ‌گونه سنگر و موضع قابل‌اعتمادی وجود نداشت. خط خودی از س‌راه حمیدیه تا گل‌بهار ادامه داشت

یکی از راویان روحانی موسسه فرهنگی روایت سیره شهدا «سیدحسین در جریان اشغال لانه جاسوسی شرکت داشت.» که این موضوع به لحاظ تاریخی نادرست است؛ زیرا سیدحسین علم‌الهدی در آن تاریخ در اهواز به سر می‌برد.

و قابل‌درک نباشد، آشنا کند. نظر به اینکه مقام معظم رهبری تعبیر "گنج جنگ" را درباره دفاع مقدس به کار برده‌اند، روایت اگر به‌گونه‌ای باشد که مخاطب بتواند به نحو مؤثر با آن ارتباط برقرار کند و فلسفه راهیان نور را دریابد و به سبک زندگی اسلامی - که شهدا نمود حقیقی آن بوده‌اند - دست یابد و در زندگی روزمره خود آن را به کار بندد، تعبیر گنج جنگ معنا و مفهوم پیدا کرده است.

یکی از مواردی که با حضور در یادمان‌های دفاع مقدس به چشم می‌خورد، تنوع و تعدد روایت‌های راویان است. دغدغه اصلی متولیان امر انسجام‌داشتن مطالب برخی از راویان همراه کاروان‌ها به دلیل تداوم نداشتن مطالعه و آموزش است. راوی در روایت‌های ناقص و یک‌سویه تنها آن بخش از جنگ را برای مخاطب ارائه می‌دهد که دل در گرو آن داشته باشد. حال آنکه نسل جدید که جنگ را لمس نکرده است و ذهن فعال و پرسشگری دارد، در پی کشف ارتباط منطقی و عقلایی پدیده‌هاست و هوشیارانه با آنها برخورد می‌کند. روایت ناقص و غیرمرتبط با یادمان و ماهیت دفاع مقدس بیشتر از آنکه در خدمت راهیان نور باشد، به آن ضربه می‌زند. آنجا که راوی نمی‌تواند مخاطب را راضی کند، دست به یک‌سری تغییرات (شاید ناخواسته) در روایت می‌زند. مخاطب نیز بر اثر رسیدن به یک‌سری ابهامات، سؤالات، روایت‌های متفاوت و گاه متناقض، از جنگ و مفاهیم آن، برداشت نادرستی پیدا می‌کند. نتیجه کار این می‌شود که به اصل روایت یادمان آسیب وارد شده، درنهایت فرد ممکن است درباره ماهیت و فلسفه کلی راهیان نور دچار سوءبرداشت شود.*

* . سخنرانی شهید فرزانه، دبیر ستاد راهیان نور نیروهای مسلح و مسئول کاروان‌های استان خوزستان، ۲۲ اسفندماه ۱۳۹۳.

عهده داشت و در پادگانی که پس از شهادتش، پادگان شهید غیور اصلی نامیده شد، بچه‌های سپاه را آموزش می‌داد. به همین دلیل عملیات مذکور که موجب نجات اهواز از تهدید جدی دشمن و آزادی سوسنگرد و بستان شد، "عملیات شهید غیور اصلی" نام گرفت.*

مباحث این عملیات به‌عنوان یکی از محورهای مهم در یادمان شهدای هویزه قابل طرح است.

ب) مفاهیم معرفتی مرتبط با یادمان

در حوزه مباحث حماسی و معرفتی جنگ، راوی بسته به میزان تسلط خود بر موضوع، می‌تواند مواردی از قبیل خصلت‌های عالی اخلاقی شهدا از ایمان، اخلاص، تهذیب نفس، توسل به قرآن و ائمه اطهار، نماز و دعا و... گرفته تا شهادت‌طلبی، ولایت‌مداری و ادای تکلیف، دلاوری، رشادت، ایثار و... را مورد توجه قرار دهد. راوی همچنین می‌تواند با اشاره به مسئولیت نسل کنونی در قبال خون شهدا و تداوم راه آنها، سبک زندگی شهدا، فراگیری درس مقاومت و ایستادگی، بصیرت، اطاعت از رهبری و ولایت‌مداری و... الگو و سبک زندگی و حتی اندیشه برگرفته از دفاع مقدس را بیان کند.

وضعیت فعلی راویان و روایت‌گری

روایت دفاع مقدس در یک یادمان، با ارزشترین بخش سفر فرهنگی راهیان نور است. راوی باید ضمن برقراری ارتباط بین نسل جدید و نسل دفاع مقدس، آنان را با مفاهیم و ارزش‌هایی که شاید برای جوان فعلی ملموس

* . مهدی انصاری، حسین یکتا و هادی نخعی، روزشمار جنگ ایران و عراق (کتاب چهارم): هجوم سراسری: تهاجم و پیشروی‌های عمده عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ۱۳۷۲، صص ۳۳۴-۳۳۶.



روایت راویان برای کاروان‌های راهیان نور، یادمان شهدای هویزه، اسفند ۱۳۹۴.

بایدها و نبایدهای روایت در یادمان هویزه

و کشورهای منطقه برخوردار بود، آزاد شد؛ یادمان‌های شهدای یادآور دوران دفاع مقدس ارزش‌هایی است که نظام اسلامی بر پایه آن استوار است؛ یادآوری محدودیت‌ها و کمبودهای موجود در زمینه عملیات نصر و پیامدهای آن؛ تأکید بر شهادت‌طلبی، ایثار، ایمان و اخلاص رزمندگان، به‌ویژه دانشجویان پیرو خط امام و در رأس آنها شهید سیدحسین علم‌الهدی؛ یادمان هویزه نماد ایستادگی، مقاومت جانانه و مظلومیت آن اراده‌های آهنین است. همچنین در روایت هویزه شایسته است راوی از موارد زیر اجتناب کند:

- بی‌توجهی به تناسب سطح راوی و مخاطب؛
- بی‌توجهی به زمان و مکان برای تشریح عملیاتی این منطقه؛
- ذکر نامتوازن و ناقص تاریخ و جغرافیای عملیات ها؛

اکنون سؤال این است که روایت جامع چیست؛ چه متغیرهایی باید داشته باشد؛ و از چه طریقی به دست می‌آید؟ پاسخ به این پرسش شاید در نظر هر راوی متفاوت باشد. این امر را باید در مواردی که درخصوص ویژگیهای راوی اشاره شد، جست‌وجو کرد.

راوی باید یک چشم‌انداز کلی از جنگ را با خصوصیات ذیل در یادمان شهدای هویزه به مخاطب منتقل کند: این سرزمین میعادگاه و صحنه حماسه و نبرد بزرگ‌مردان با ایمان و مصمم با اراده آهنینی بوده است که برای دفاع از ارزش‌های دینی و انقلابشان جنگیده‌اند؛ تشریح جنایات ارتش عراق و حامیان او در تهاجم خود به‌ویژه در هویزه؛

با دست توانای بسیجیان، سپاهیان، ارتشیان، جهادگران، و هسته‌های مقاومت مردمی، سرزمین ایران از اشغال ارتش متجاوز عراق که از حمایت قدرت‌های بزرگ

راوی دیگری در جمع کاروان بسیجیان خراسان شمالی درباره نقش شهید علم‌الهدی پس از پیروزی انقلاب و در تدوین قانون اساسی با اغراق می‌گوید: «...می‌گویند چرا اصل ولایت فقیه در قانون اساسی نیست، و این [اصل] را یادگار ایشان می‌دانند.» همین راوی در خصوص نحوه شهادت علم‌الهدی و یارانش می‌گوید: «یکی از بازماندگان شهدا می‌گوید من صدای خرد شدن استخوان‌های بچه‌ها را می‌شنیدم.» (ع.ک، ۱۳۹۳/۱۲/۲۳)

راوی دیگری در جمع کاروان شهیدصیاد شیرازی سیستان و بلوچستان در خصوص لحظات منتهی به شهادت شهید علم‌الهدی می‌گوید: «... آقای مارانی تنها بازمانده گردان علم‌الهدی بود، خودش هست؛ آخرین نفری است که با حسین بوده ...» وی همچنین در جایی دیگر می‌گوید: «... آقای یونس شریفی و مارانی از همین گردان شاهد صحنه هستند؛ دانه‌دانه بچه‌های علم‌الهدی جلو چشم او شهید می‌شوند؛ عین کربلا که جلو چشم ابی‌عبدالله^(ع)، ابوالفضل^(ع)، علی‌اکبر^(ع) و همه و همه شهید شدند.» وی همچنین در جایی دیگر می‌گوید: «مارانی می‌گوید من و حسین دو نفر آخری بودیم که ماندیم از گردان. داشتیم می‌آمدیم عقب. ۲۳ نفر ماندیم. از این ۲۳ نفر، تا پشت جاده ۸ تا از بچه‌های ما را زدند، شدیم ۱۵ نفر. آمدیم همین‌جور... فاصله من با حسین زیاد شد. حسین را تانک‌ها زدند.» (ع.ا، ۱۳۹۳/۱۲/۲۳)

در حالی که محمدرضا باستی که یکی از هم‌زمان زنده شهید علم‌الهدی است و خاطرات مربوط به عملیات را در تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/۷ ثبت کرده، اذعان

- روایت یگانی یا فردی و ایجاد تناقض در ذهن مخاطبان؛
- بی‌توجهی به مباحث مرتبط با عملیات نصر و زحمات نیروی زمینی ارتش و پرداختن صرف به نقش سپاه و نیروهای مردمی مانند شهید علم‌الهدی؛
- مطرح کردن بحث خیانت ارتش در عملیات نصر؛
- اغراق و تحریف واقعیت‌های عملیات نصر به‌ویژه در خصوص نحوه شهادت شهید علم‌الهدی؛

- استناد به خاطرات و خواب‌ها بدون توجه به صحت و سقم و تأثیر منفی آنها.

روایت ناقص در یادمان شهدای هویزه

الف) اطلاعات تاریخی و جغرافیایی نادرست

یک راوی در جمع کاروان مرکز آموزش عالی یزد در خصوص حمایت ابرقدرت‌های بزرگ از صدام آماری غیرمستند ارائه

می‌دهد و می‌گوید: «۶۴ کشور از صدام برای مخالفت و جنگ با ایران حمایت کردند و ثبت است که ۳۶ کشور پول و تجهیزات دادند.» وی در جایی دیگر چنین تحلیل می‌کند: «استکبار به من [صدام] قول داده بود که اگر در جنگ پیروز شدم، خوزستان بشود استان نوزدهم عراق و اگر موفق نشدم، کویت بشود استان نوزدهم من و دلیل اینکه سال ۷۱ به کویت حمله کرد، این بود.» (ع.ک، ۱۳۹۳/۱۲/۲۳) این در حالی است که این سخنان مستند نیست و تاریخ حمله صدام به کویت ۱۳۶۹ بود.

روایت‌های یادمان شهدای هویزه را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: دسته اول، روایت با محوریت عملیات نصر؛ دسته دوم روایت با موضوع شخصیت شهید علم‌الهدی بدون تشریح عملیات نصر؛ دسته سوم روایتی متفاوت از هویزه و نگاه مقایسه‌ای همراه با آینده‌نگری و ارائه الگو.

توجه به تناسب زمانی و مکانی روایت مفصلاً شرح می‌دهد. این مسئله روایت وی را تحت تأثیر قرار داده و آن را از روایت‌های مشابه متفاوت کرده است. (ح.ف، ۱۳۹۳/۱۲/۲۴)

از سوی دیگر، روایت برخی از راویان که صرفاً زندگی، مبارزات، شخصیت و نحوه شهادت علم‌الهدی را بدون اینکه به عملیات نصر، زمینه‌ها و شرح و پیامدهای آن بپردازند، نیز به‌نوعی دارای همین نقص و کاستی است.

ج) بزرگ‌نمایی و اغراق در روایت

یکی از راویان یادمان هویزه درباره برگزاری نماز جماعت در زندان ساواک توسط شهید علم‌الهدی می‌گوید: «... توی زندان ساواک همه قمه‌کش، همه چاقوکش؛ حسین رفت توی اینها با نهج‌البلاغه، به کمک چندتا از حکمت‌های نهج‌البلاغه با اینها آشنا شد. سه هفته یا یک ماه بعد اینها آمدند پشت سر حسین علم‌الهدی نماز جماعت برگزار کردند. گفتند این اگر توی زندان بماند، همه را انقلابی میکند. حسین بچه دبیرستانی با نهج‌البلاغه رفت با کمونیست‌ها و مارکسیست‌ها مناظره کرد؛ همه‌شان پیاده شدند! به زانو درآمدند، همه‌شان پشت سر حسین علم‌الهدی نماز جماعت برگزار کردند.» (ع.ا، ۱۳۹۳/۱۲/۲۴) پذیرش این گونه مسایل برای مخاطب این روایت، مشکل به نظر می‌رسد، چرا که جدل یک بچه دبیرستانی با افراد حزب چپ‌گرا و اقناع آنها دور از ذهن به نظر می‌رسد و راوی نباید از شهید شخصیتی قدسی و دست نیافتنی بسازد. بلکه بالعکس می‌بایست با بیان واقعیت‌ها الگویی دست یافتنی به مخاطب ارائه نمود.

می‌کند که حسین علم‌الهدی همه نیروها را به عقب فرستاد و تنها چند نفر جلو تانک‌های عراق ایستادند که اکثر آنها به شهادت رسیدند. باستی در این باره می‌گوید: «حدود ساعت ۴ بعدازظهر یکی از بچه‌ها متوجه تانک‌های دشمن شد که به طرف ما می‌آمد. حسین علم‌الهدی و محسن به ما گفتند: شما آری‌جی نداری، بروید که کشته می‌شوید.»*
راوی دیگری در جمع کاروان دانشگاه هرمزگان از مؤسسه فرهنگی سیره شهدا می‌گوید: «سیدحسین در جریان اشغال لانه جاسوسی شرکت داشت.» (ج.ق، ۱۳۹۳/۱۲/۲۴) که این موضوع به لحاظ تاریخی نادرست است؛ زیرا سیدحسین علم‌الهدی در آن تاریخ برای افشای تیمسار احمد مدنی استاندار خوزستان، در اهواز به سر می‌برد.

ب) روایت‌های یگانی / فردی

در روایت دیگری راوی در جمع کاروان منطقه ۱۸ تهران به مواردی که ارتباط چندانی با این منطقه و یادمان نداشته، به تفصیل اشاره شده و حجم زیادی از گزارش را به خود اختصاص داده است. به‌عنوان مثال راوی به‌صورت خیلی مختصر و جزئی به عملیات نصر و نقش شهدای دانشجوی پیرو خط امام و شهید سید حسین علم‌الهدی در این عملیات اشاره می‌کند و در مقابل، نقش فرماندهان و خلبانان ارتشی و هوانیروز را که در جای خود ارزشمندند، مانند شهید عباس دوران، شهید شیروودی، شهید چمران و شهدای هوانیروز در دفاع مقدس، بدون

* . سند ۰۸۳۰۹۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، محمدرضا باستی، شرح عملیات هویزه، ۱۳۵۹/۱۲/۷.

